

فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت
دانشگاه شهید بهشتی، تابستان ۹۰

Research Journal of Islamic Philosophy and
Theology of Shahid Beheshti University

ماهیت ایمان از دیدگاه ابن عربی و کی یر کگور

سید یدالله بیزان پناه *
احمد رزمخواه **

چکیده

متفکران حوزه‌های گوئاگون درباره ایمان و سرشت آن به بیان دیدگاه‌های خود پرداخته و گاه نظریاتی در مقابل یکدیگر ابراز کردند. مقایسه و تطبیق این دیدگاه‌ها و بررسی آنها می‌تواند به روشنگری در باب ایمان کمک کند. در این جستار ماهیت ایمان از دیدگاه ابن عربی، از حوزه اسلامی و پدر عرفان نظری و کی یر کگور از حوزه مسیحیت بررسی و مقایسه می‌شود. در باب ماهیت ایمان، دیدگاه‌های معرفت گرایانه، تصدیق گرایانه، عمل گرایانه و ... از سوی اندیشمندان اسلامی و دیدگاه‌های گزاره‌ای، پدیدارشناسانه و اراده گرایانه و ... از سوی متفکران غربی مطرح شده است. ابن عربی براساس مبنای واقع گرایی نگاهی معرفت گرایانه و تصدیق گرایانه به ایمان دارد و ایمان حقیقی را ایمان قلبی پیش و پس از شهود می‌داند، گرچه ایمان پس از شهود را از استحکامی ویژه برخوردار می‌داند. کی یر کگور با مبنایی چون شکاکیت فلسفی و غیر واقعی دانستن متعلقات ایمان، نگاهی معرفت ستیزانه و اراده گرایانه به ایمان دارد و ارکان آن را اراده، خطرپذیری و تحمل انواع رنج‌ها قلمداد می‌کند.

واژگان کلیدی: ایمان، معرفت، تصدیق، ابن عربی، اراده، کی یر کگور.

* استاد بزوہشتگر حوزه علمیه قم

** دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی - مبانی نظری اسلام، دانشگاه باقر العلوم علیه السلام
ahmad.Razmkhah@gmail.com

مقدمه

ایمان و نقش آن در زندگی فردی و اجتماعی بر کسی پوشیده نیست. پژوهش در این حوزه و آشنایی با زوایای مختلف آن، ضرورتی همیشگی است. با اندکی پژوهش در باره ایمان دیدگاههای فراوان و گاه ضد و نقیض خود را نمایان می‌سازند و پژوهشگر این عرصه را به تأملی جدی و امیدارند.

ماهیت ایمان، آثار، لوازم و پیامدهای آن، متعلقات ایمان، رابطه ایمان با سایر حوزه‌ها به ویژه ربط و نسبت آن با عقل و مسائلی از این قبیل همواره گفتگو برانگیز بوده و ذهن پژوهشگران را به سوی خود جلب کرده است. ایمان و گستره فراخ دامن آن ما را بر آن می‌دارد تا نخست به تحدید این مسئله پردازیم و پس از آن فعالیت پژوهشی را آغاز کنیم. یکی از راههای پیش رو برای تعیین حدود ایمان، بررسی آرای صاحب‌نظران، غور در آنها و تطبیق‌شان با یکدیگر به منظور روشن شدن زوایای ایمان است. بررسی مقایسه‌ای این مسئله از دیدگاه ابن عربی و کی‌یر کگور که هر یک به حوزه‌ای خاص تعلق دارند از جمله راهکارهای پیشنهادی برای روشنگری در باب ایمان است. عارف نامی مسلمان، ابن عربی و متفکر عارف پیشه، کی‌یر کگور هر یک چه آرایی در باب ایمان ابراز کرده‌اند؟ چه نقاط اشتراک یا احیاناً افتراقی میان آنان در این بحث سرنوشت ساز وجود دارد و متناسب با این جستار هر کدام چگونه در باب ماهیت ایمان می‌اندیشند. تطبیق و مقایسه آراء ابن عربی و کی‌یر کگور در باره ماهیت و سرشت ایمان یکی از موضوع‌هایی است که می‌تواند به روشنگری در باب ایمان کمک کند و راه را برای پژوهش‌های گسترده‌تر بگشاید. در اینجا نخست با واژه‌شناسی ایمان و پس از آن با نظریات گوناگون متفکران اسلامی و غربی آشنایی صورت می‌گیرد و در پی آن نظریه این عربی و کی‌یر کگور در باره ماهیت ایمان بیان می‌شود.

ایمان در لغت

ایمان مصدر باب افعال از مادة امن به معنای آرامش است. امن به حالت اطمینان نفسی و قلبی گفته می‌شود که ریشه در اعمق وجود انسان دارد (خلیل بن احمد، ص ۳۸۸؛ جوهری، ص ۲۰۷؛ ازهري، ص ۵۱۴). «آمن» یعنی در امنیت قرار گرفت و «آمنه» یعنی ایجاد امنیت و آرامش برای کسی فراهم کرد. معنای دیگر ایمان تصدیق است که همین

معنا مورد اتفاق عالمان علم لغت است. البته این معنا را نیز می‌توان به همان معنای نخست برگرداند؛ چه اینکه شخص با تصدیق که در فارسی به آن گرویدن گفته می‌شود، برای خود آرامش ایجاد می‌کند و بدین وسیله احساس امنیت به او دست می‌دهد. (ابن فارس؛ ابن منظور؛ طریحی؛ راغب اصفهانی؛ معلوم؛ ذیل ماده امن)، بنابراین می‌توان گفت واژه ایمان بر اساس معنای لغوی با آرامش و اطمینان نفسی و قلبی گره خورده و مؤمن کسی است که از نوعی آرامش برخوردار است.

Faith (ایمان) در لاتین دارای دو ریشه لغوی است:

الف. Fiducia بر این اساس، ایمان نوعی حالت روحی به شمار می‌رود.
ب. Fides در این صورت، ایمان از سنج معرفت و علم و آگاهی خواهد بود (Hick, p.65).

واژه Faith برای نخستین بار در سال ۱۵۵۱ و با تأثیرپذیری از تقریر کلیسايی- مسيحي به معنای اعتقادی به کار رفت که ناشی از اعتماد به چیزی است (رضایی، ص ۳۲).

ایمان در اصطلاح

اصطلاح ایمان در نزد هر یک از متكلمان، فیلسوفان و عارفان مسلمان معنای خاص خود را دارد. نگاه بیشتر متكلمان اسلامی به ایمان، تصدیق گرایانه است. از نظر آنان ایمان عبارت است از تصدیق و اذعان قلبی به خداوند، پیامبر و معاد، البته برخی علاوه بر تصدیق قلبی، عمل جوارحی و اقرار زبانی را به تصدیق ضمیمه کرده‌اند. اما از دیدگاه حکما می‌توان به آنچه در حکمت متعالیه آمده است اشاره کرد. از نظر ملاصدرا ایمان حقیقی علم به مبدأ و معاد دانسته شده است. علم به مبدأ، معرفت صفات و افعال و آثار الهی است و علم به معاد، معرفت نفس، قیامت و نبوت می‌باشد (شیرازی، ص ۷۷).

اما آنچه از عارفان مسلمان در باب ایمان به اختصار در اینجا می‌توان گفت آن است که ایشان ایمان را به ایمان علمی و ایمان عینی تقسیم می‌کنند. ایمان عینی زایدۀ تجلی شهودی است (خوارزمی، ص ۷۲۳، ۶۷۰، ۴۶۷، ۴۶۴، ۴۶۱). عده‌ای از عرفاء، نیز ارادت و عشق والتزام و یقین را از عناصر ماهوی ایمان قلمداد کرده‌اند (فرغانی، ص ۲۷۸، ۱۲۴).

نگاهی به دیدگاه‌ها در ماهیت ایمان

متفکران اسلامی و غربی در باره ماهیت ایمان به اظهارنظرهایی پرداخته‌اند. دیدگاه اندیشمندان اسلامی در باب ایمان به معرفت گرایانه، لفظ گرایانه عمل گرایانه و تصدیق گرایانه قابل تقسیم است. در نگاه معرفت گرایانه ایمان، همان معرفت دانسته می‌شود. معرفت ماهیت ایمان را تشکیل می‌دهد و هر چیزی جز علم و معرفت از ماهیت ایمان خارج است (اشعری، مقالات اسلامی، ص ۱۹۷ و ۱۹۸؛ شهرستانی، ص ۱۲۹؛ حلی، ص ۳۶۷؛ تفتازانی، ص ۱۷۷).

از میان متکلمان عده‌ای به نام کرامیه (اشعری، مقالات اسلامی، ص ۲۰۵). اقرار زبانی را ایمان تلقی کرده‌اند. آنان ماهیت ایمان را از یک امر قلبی به امری زبانی و لفظی تقلیل داده‌اند، اما عمل گرایان در باب ماهیت ایمان به سه گروه تقسیم می‌شوند: معتزله ماهیت ایمان را همان عمل دانسته‌اند (معزلی، ص ۴۷۸). اهل حدیث با تأکید کمتر در مورد دخالت عمل در ایمان اظهارنظر کرده‌اند. اما خوارج با اینکه اولین کسانی بودند که برای عمل در ماهیت ایمان نقش قائل شدند، نحوه اظهارنظر آنان در باره کفر بود و باملازمه، نظر آنان را در باره ایمان می‌توان به دست آورد. خوارج ترک عمل را معادل کفر دانستند (اشعری، مقالات اسلامی، ص ۱۵۷؛ بغدادی، ص ۵۰)، اما تصدیق گرایان ماهیت ایمان را همان تصدیق می‌دانند تصدیق همان اذعان قلبی است که باعث رضایت عمیق و آرامش در انسان می‌شود. از نظر تصدیق گرایان، عمل نقشی در ماهیت ایمان ندارد. این نظریه در میان اشاعره رواج دارد (اشعری، اللمع، ص ۱۸۰؛ معزلی، ص ۴۷۹؛ تفتازانی، ص ۱۷۵ و ۱۸۱؛ جرجانی، ج ۸، ص ۳۲۲ و ۳۲۳) و بسیاری از متکلمان شیعی نیز همین نظریه را برگزیده‌اند (حلی، انوار الملکوت، ص ۱۷۹، علم الهدی، ص ۵۳۶؛ شیخ طوسی، تمہید الاصول، ص ۲۹۳؛ الاقتصاد، ص ۲۲۷، التبیان، ص ۴۱، الرسالیل العشر، ص ۱۰۳؛ بحرانی، ص ۱۷۰؛ سیوری حلی، ص ۳۹۳؛ جمعی عاملی (شهید ثانی)، ص ۸۹؛ لاھیجی، ص ۱۶۴).

اما نظریات متفکران غربی در باب ایمان به سه دسته قابل تقسیم است:

۱. نظریات گزاره‌ای: این نظریات ایمان را باور به گزاره‌هایی می‌دانند که از طریق پیامبر خدا به بشر رسیده و در کتاب مقدس گردآوری شده است. آکویناس، تنانت و مذهب کاتولیک جدید از نمایندگان این طرز تفکر به شمار می‌آیند.

۲. نظریات اراده گرایانه: این نگرش ایمان را امری ارادی و اختیاری قلمداد می‌کند و دلیل آن را عدم دسترسی به دلیل می‌داند. از نمایندگان این گروه می‌توان به پاسکال و ولیام جیمز اشاره کرد. در اینکه آیا کی بر کگور نیز در بحث ایمان اراده گرا محسوب می‌شود یا خیر در مباحث آتی به آن پرداخته خواهد شد.

۳. نظریات پدیدار شناسانه: براساس این دیدگاه ایمان، نوعی تجربه بشری به حساب می‌آید. پل تیلش، رودلف اوتو، مارتین بوبر از این گروه‌اند (Hick, p.9-65؛ فعالی، ص ۱۳۷ - ۸۳؛ جوادی، ص ۵۴ - ۲۰).

پس از آشنایی با نظریات متفکران اسلامی و غربی در باب ایمان اکنون دیدگاه ابن عربی و کی بر کگور در این باره بیان می‌شود.

دیدگاه ابن عربی

در اینکه ابن عربی به ایمان چگونه می‌نگرد و ماهیت آن از دیدگاه وی چیست با نگاهی اجمالی به عبارات وی در فتوحات در بادی امر چنین به نظر می‌رسد که وی نگاهی تصدیق گرایانه یا معرفت گرایانه به ایمان دارد.

تعريف ایمان از دیدگاه ابن عربی

برای آگاهی از تعريف ایمان از دیدگاه ابن عربی آوردن جملاتی از وی ضروری به نظر می‌رسد:

او گاه می‌گوید: «الایمان تصدق... والایمان اعتقاد» (ابن عربی، الفتوحات المکیه، ج ۴، ص ۷۳) و در جای دیگر می‌نویسد: «تولاهم الله بالایمان الذى هو القول والعمل والاعتقاد حقيقة الاعتقاد شرعاً و لغة وهو في القول والعمل شرعاً لالغة فالمؤمن من كان قوله و فعله مطابقاً لما يعتقد في ذلك الفعل» (همان، ج ۲، ص ۲۶، ۲۷) و در ادامه می‌آورد.

... فعلمنا ان الايمان خصوص وصف و هو التصديق تقليداً من غير دليل لفرق بين الايمان والعلم» (همان، ص ۲۷) او در جای دیگر ايمان را عين طهارت باطن معرفی می کند.

«انه لما كان الايمان عين طهارة الباطن...» (همان، ج ۱، ص ۳۳۶).

و در همین باره می نویسد:

و هو [الإيمان] الطهارة الباطنة النافعه المنجية من التخليد فى النار (همان، ج ۱، ص ۳۶۱).

و در همین زمینه آمده است:

الإيمان عين طهارة الباطن (همان، ج ۱، ص ۵۰۳). (۳۳۶)

ابن عربی در جای دیگر ايمان را علمی ضروری می داند که مؤمن آن را در دل خود می یابد و توان دفع آن را ندارد. «فالإيمان علم ضروري يجده المؤمن في قلبه لا يقدر على دفعه» (همان، ج ۲، ص ۲۵۹).

و باز در همانجا ايمان را نوری می داند که خداوند در دل هر کس از بندگانش که بخواهد می افکند (همانجا).

در فتوحات گاهی ايمان را به طور صريح نور دانسته است: «ان الايمان نور شعشعاني» (همان، ج ۲، ص ۹۸).

جملات ياد شده از ابن عربی گویای آن است که ابن عربی ايمان را همان تصدقیق می داند و از این جهت او را باید در زمرة تصدقیق گرایان در بحث ماهیت ايمان قلمداد کرد. اما عباراتی چون «الإيمان نور شعشعاني» یا «الإيمان علم ضروري» که ايمان را نور یا علمی ضروری می داند که شخص توان دفع آن را ندارد، از این جهت او به نظریه معرفت گرایان نزدیک می شود و البته چنانکه در ادامه نیز روشن تر خواهد شد، نقش معرفت و مراتب گوناگون آن در ايمان از نظر ابن عربی، نقشی بی بدیل است، اما آنجا که ابن عربی معتقد است قول و فعل مؤمن باید با آنچه را باور دارد مطابق باشد، از این گونه عبارت ها نیز می توان اعتقاد ابن عربی را به التزام قلبی به عمل عنداللزوم در ايمان ثابت کرد. از این رو به طور خلاصه می توان ايمان را از دیدگاه ابن عربی چنین تعريف

کرد: «تصدیقی که بر معرفتی عمیق استوار است و التزام قلبی به عمل عنداللزوم را به همراه دارد».

اقسام ایمان

ابن عربی تقسیماتی را گاه به طور صریح و گاه غیر صریح برای ایمان بیان کرده است که آشنایی با هر یک می تواند نظرات او را در مبحث ایمان وضوح بیشتر بخشد. او ایمان را در یک تقسیم بر دو قسم می داند:

۱. ایمان به واسطه برهان (ایمان برهانی؛ ۲. ایمان به واسطه تحقق در قلب (ایمان قلبی)).

ایمان برهانی

ایمانی که با دلیل و برهان و استدلال برای انسان حاصل می شود ایمان برهانی نامیده می شود که ابن عربی آن را مهم ولی جداً ناکافی می داند؛ زیرا چنین ایمانی در معرض انواع شباهت قرارداد و ممکن است زائل گردد. چنانکه پیش از این نیز در بخش انواع معرفت از دیدگاه ابن عربی اشاراتی صورت گرفت وی برای عقل نیز نورانیت قائل است. اما نباید به این نور اکتفا کرد، چنین نوری انسان را به ایمانی می رساند که می باشد با مراقبت های قلبی و با یاری پروردگار آن را به ایمان قلبی رساند. ابن عربی در این زمینه یاد آور می شود که کامل از اهل الله نور عقلش را در نور ایمانش مندرج می سازد (همان، ج ۳، ص ۴۵۱).

اگر کسی به ایمان برهانی اکتفا کند از نظر ابن عربی او به ایمان واقعی دست نیافته است. وی در این زمینه به صراحة می گوید: «فمن تأول فایمانه بعقله لا بی» کسی که به تأویل پردازد (و عقل خود را ملاک قرار دهد) پس ایمان او به عقل خود است نه به من (خدای) که این امر به روشنی گویای آن است که وی معتقد است انسان نباید به چنین حدی بسنده کند بلکه باید خود را به آن مقام والا برساند.

همچنین ابن عربی برای انسان مقامی فوق طور عقل قائل است (همان، ج ۴، ص ۱۶۸).

ایمان قلبی

ایمان قلبی به ایمانی گفته می شود که در قلب انسان جای می گیرد. تحقق چنین ایمانی

در دل انسان عنایتی الهی است و چون این گونه است قابل اعتماد می‌باشد و این برخلاف آن ایمانی است که انسان با دلیل و برهان به آن دست یافته است و در معرض انواع شباهات قرار دارد و زایل شدنی است. ابن عربی از ایمان قلبی با تعبیراتی چون نور، طهارت باطن و علم ضروری یاد می‌کند (همان، ج ۲، ص ۲۵۹، ج ۹۸، ص ۱، ۳۳۶). ایمان قلبی به نوبه خود به ایمان قلبی قبل از شهود و ایمان قلبی بعد از شهود تقسیم می‌شود و به عبارت بهتر می‌توان ایمان قلبی را دارای دو مرتبه دانست مرتبه اول، ایمان قلبی پیش از شهود و مرتبه دوم ایمان قلبی پس از شهود. ابن عربی آورده است:

مؤمن بر دو گونه است، مؤمنی که او را دیده‌ای است که با آن دیده از نوری برخوردار می‌باشد هنگامی که آن نور با نور ایمان جمع شود، مؤمن امور غیبی را که متعلق ایمانند ادراک می‌کند و دیگری مؤمنی است که دیده او جز از نور ایمان برخوردار نیست و او با همان دیده به خداوند و غیر او می‌نگرد.

الف. ایمان قلبی پیش از شهود

ایمان قلبی با بیانی که گذشت مقدم بر سلوک عرفانی و دستیابی به کشف و شهود است. انسان با تکیه بر ایمان قلبی و با عنایت الهی می‌تواند به ایمان شهودی دست یابد. ابن عربی در این زمینه می‌گوید:

هر کس مورد عنایت الهی قرار گیرد، خداوند پیش از آنکه او را برگزیند، از علوم نظری نگه می‌دارد و برای خویش او را می‌سازد و بین او و طلب علوم نظری حائل می‌گردد و به او ایمان به خداوند و به آنچه از سوی او بر زبان رسول خدا جاری گشته، روزی می‌فرماید (همان، ج ۳، ص ۴۰۲).

انسان تا به مرحله شهود دست نیافته باشد هنوز حجاب‌هایی وجود دارند که مانع از دستیابی انسان به حقیقت می‌گردند. با رفع این حجاب‌ها سالک به مرتبه ایمان شهودی دست می‌یابد. ابن عربی در این زمینه آورده است.

بنده با آنچه دارد به سوی خداوند باز می‌گردد، اگر این بازگشت با حجاب‌هایی همراه باشد شخص از ایمان غیر شهودی برخوردار است اما اگر حجاب‌ها برداشته شده باشد او از ایمان شهودی برخوردار می‌باشد (همان، ج ۴، ص ۱۲۷).

ب. ایمان قلبی پس از شهود (ایمان شهودی)

ابن عربی شهود را عنایتی از سوی خداوند دانسته است که در نتیجه ایمان و بینشی که خداوند به انسان داده، حاصل می‌شود: «والشهود عنایة من الله اعطهاها ايانا نور الايمان الذى انار الله به بصائرنا» (همان، ج ۳، ص ۵۲۵).

ابن عربی از انبساط نور ایمان بر وجود انسان سخن می‌گوید که انسان از راه کشف و شهود بر آن آگاهی می‌یابد و با واسطه تقوای الهی به مرحله‌ای از علم و آگاهی دست می‌یابد و می‌تواند تمایز میان علوم گوناگون، مراتب و تام و اتم بودن هر یک را تشخیص دهد. آنان به فرقان دست یافته‌اند. آنان همان مؤمنان با تقوا و عالمان کشف و شهودند.

ابن عربی در این زمینه آورده است:

هنگامی که مؤمنان به علم و ایمان دست می‌یابند و نور ایمان همه مراتب و مقامات وجودی آنان را فرا می‌گیرد؛ آنان از راه کشف و وجود به درک آن مقامات و مراتب نائل می‌آیند؛ نور ایمان، نفوس آنان را فرا می‌گیرد و در این هنگام بدون هیچ گونه تردید خود و خدای خود را می‌شناسند و کارهای خود را براساس تقوای الهی انجام می‌دهند و خداوند به آنان فرقان و قدرت تشخیصی عنایت می‌کند که به وسیله آن علوم خبری، علوم نظری و علوم حاصل از تقوا را از یکدیگر باز می‌شناسند و تام و اتم بودن (و نقص و کمال) هر یک را تشخیص می‌دهند (همان، ص ۴۰۱).

ابن عربی در جای دیگر در باره ایمان بعد از شهود می‌گوید:

أهل کشف و وجود همانند دیگر مؤمنان ایمان می‌آورند. سپس حدود الهی را مراءات می‌کنند و تقوا پیشه می‌سازند؛ در این هنگام خداوند برای آنان فرقان و قدرت تشخیصی قرار می‌دهد که میان نسبت احکام الهی به خداوند و نسبت آن به مخلوقین تمایز قائل می‌شوند و با علم ضروری به مشاهده معانی آن احکام نائل می‌گرددند (همان، ص ۴۸۴).

و در جای دیگر بیان می‌کند:

أهل کشف و شهود همان مؤمنان با تقوایی هستند که خداوند برای آنان فرقانی قرار داده است که با آن گفته‌های اهل نظر و خبر را در باره خداوند و نیز حق و باطل

بودن تجلیات قلبی خود را تشخیص می‌دهند؛ تمام این‌ها با کشف و شهود برای آنها معلوم است (همان، ص ۴۰۲).

حاصل سخن آنکه ابن عربی در بحث ایمان تصدیق گرایی است که همزمان ایمان را بر معرفت استوار می‌بیند و التزام قلبی به انجام را جدای از ایمان نمی‌داند. تقسیمات ایمان به نظری و قلبی و تقسیم ایمان قلبی به قبل از شهود و بعد از شهود همگی به گونه‌ای گویای درجات مختلف ایمان از نظر ابن عربی است و از سخنان او چنین برداشت می‌شود که ایمان حقیقی، همان ایمان قلبی است که پیش و پس از شهود حاصل می‌شود البته ایمان پس از شهود استحکام ویژه خود را دارد.

اما آیا انسان با عقل خویش می‌تواند متعلق ایمان را بشناسد و به آن ایمان آورد؟ جواب این پرسش از دیدگاه ابن عربی قطعاً مثبت است ولی او این مرحله را مرحله نازلی از ایمان می‌داند و انسان باید تلاش خود را برای رسیدن به مرحله ایمان قلبی و مراحل بعدی هم چنان ادامه دهد و همواره از خداوند بخواهد که او را به مراتب بالای ایمان برساند. تا اینکه به مرحله‌ای دست یابد که دیگر خطر از دست دادن ایمان وجود نداشته باشد.

از آنچه گذشت همچنین روشن شد که ابن عربی ایمان را عنایت پروردگار می‌داند که شخص مؤمن مورد توجه خداوند قرار می‌گیرد و نیز ایمان نوری است که در قلب مؤمن واقع می‌شود و باید تمام سعی و تلاش مؤمن با رعایت تقوا آن باشد که از عنایت الهی دور نگردد و نگذارد این نور در دل و جان او کم فروغ گردد و یا به خاموشی گراید.

دیدگاه کی ییر کگور در ماهیت ایمان

با دقیقت در سخنان کی ییر کگور می‌توان برای دیدگاه وی در باره ایمان پیش فرض‌هایی را جست که براساس آن‌ها، دیدگاه وی قابل تبیین تر خواهد گردید. شکاکیت فلسفی، غیر واقعی دانستن ایمان و تقدیم ایمان بر معرفت از آن جمله‌اند.

الف. شکاکیت فلسفی

از دیدگاه کی‌بر‌کگور ایمان و شکاکیت به خوبی با یک‌دیگر قابل جمع هستند(Geivttand, p.18,331). برای رسیدن به ایمان باید از عقلانیت دست برداریم. او معتقد است ایمان برآمده از شک است و این شک هیچ‌گاه قابل از بین رفتن نیست. او جهشی را پیشنهاد می‌کند که در تاریکی اتفاق می‌افتد با این احتمال که خدایی وجود دارد. ایمان از نظر او در جایی است که شخص زندگی را آغاز می‌کند نه جایی که قصد به پایان رساندن آن را دارد و در اینجاست که خطی به همراه شک ترسیم می‌شود(کی‌بر کگور، ص ۲۰، مقدمه مترجم انگلیسی).

به اعتقاد کی‌بر کگور برای رسیدن به ایمان باید از یقین دوری جست. ایمان و یقین با یکدیگر ناساز گارند. از نظر او دین نه تنها بی‌یقینی آفاقی است بلکه باید نامعقول باشد، پس از آشکار شدن کامل نامعقولیت دین، پرشورترین تلاش ممکن برای ایمان آوردن آغاز می‌شود.

ب. ایمان امری غیرواقعی

یکی از مسائل بحث برانگیز در باره ایمان واقعی یا غیرواقعی بودن آن است. در این باره دو تلقی از ایمان وجود دارد: در تلقی اول ایمان امری واقعی است (دیدگاه واقع گرایانه). براساس این تلقی ایمان حاکی از واقعیت است. خدایی عینی، جهانی دیگر و برتر، زندگی پس از مرگ و ... وجود دارد (کیوپیت، ص ۲۷) و انسان به آنها مؤمن می‌شود. تلقی دیگر (دیدگاه غیرواقع گرایانه) آن است که اعتقادات دینی توصیف امور واقعی نیستند، آنها باورهای اخلاقی و رهنمودهایی برای زندگی اند. آنها را باید دستوراتی برای اعمال خود بدانیم(همان، ص ۲۸)، براساس این تلقی باید به دنبال اثبات خدایی عینی برآمد و آن را واقعی قلمداد کرد و بر وجود او به استدلال پرداخت.

کی‌بر کگور را باید از معتقدان به تلقی دوم برشمرد. او با محور قراردادن انسان در بحث ایمان و شکاکیت در حوزه دین، ایمان را امری واقعی نمی‌داند. از این رو هیچ‌گاه در پی اثبات و آوردن استدلال بر وجود عینی خداوند بر نیامده است. دان کیوپیت در بیان دیدگاه کی‌بر کگور می‌نویسد:

حقیقت دینی، امر واقع عینی نیست، بلکه تملک آن چیزی است که بدان عمل می‌کنیم، کی‌یر کگور این مضمون را گامی جلوتر می‌برد، چون دیدگاه کلی او مانع عینیت در دین است (همان، ص ۳۰۰).

ج. تقدم ایمان بر معرفت

دیدگاه تقدم ایمان بر معرفت ریشه در سنت مسیحیت غربی دارد، جملاتی مانند «ایمان می‌آورم تا بفهمم» یا «ایمان بیاور تا بفهمی» که آنسلم قدیس (۱۰۳۳-۱۱۰۹) شعار خود ساخته بود، اشاره به این معنا دارد (Suvage, Vol 7, p.9-68). اما ایمان‌گرایی که بزرگ‌ترین منادی آن کی‌یر کگور است با احالت دادن به ایمان و تجربه درونی به طور صریح ایمان را بر معرفت مقدم دانسته است.

کی‌یر کگور دقیقاً از آن رو که هرگونه معرفتی را به خداوند و سایر متعلقات ایمان نفی می‌کند، بحث ایمان را پیش می‌کشد. از نظر او اگر بتوان به خداوند معرفت پیدا کرد و او را به عنوان موجود عینی شناخت، دیگر ایمان معنا ندارد، درست به خاطر عدم وجود چنین معرفتی، ایمان باید آورد (پترسون و دیگران، ص ۸۰) و این سخن دقیقاً به معنای تقدم ایمان بر معرفت در اندیشه کی‌یر کگور می‌باشد.

ارکان ایمان از دیدگاه کی‌یر کگور

از سخنان کی‌یر کگور این چنین برمی‌آید که وی سه رکن یا عنصر برای ایمان قائل است که با فقدان هر کدام یکی از ارکان ایمان فرو ریخته، چیزی از ایمان باقی نخواهد ماند.

الف. خطر کودن

خطر کردن یکی از ارکان مهم ایمان است که کی‌یر کگور تأکیدی ویژه بر آن دارد. به بیان وی:

بدون خطر کردن، ایمانی در کار نیست... اگر بخواهم خویشن را در وادی ایمان ایمن دارم باید همیشه در آن عدم یقین عینی در آویزم تا در ژرفای آب، در عمقی ژرف‌تر از هفتاد هزار فاتوم باز هم ایمانم ایمن بماند (همانجا).

خطر کردن را می‌توان با مثالی روشن چنین توضیح داد. فرض کنید کسی را که انسان به او عشق می‌ورزد در آستانه مرگ قرار گرفته است. شخص می‌تواند کلیه خود را به او اهدا کند در این صورت پنجاه درصد احتمال دارد او زنده بماند. حال آیا انسان حاضر است چنین خطری را متحمل شود. اکنون اگر احتمال زنده ماندن او پنج درصد باشد آیا باز هم حاضر به خطر کردن و اهدای کلیه خواهیم بود (لگنه‌اوzen، ص ۱۰۹). کی‌یر کگور می‌خواهد بگوید انسان مؤمن باید همیشه حاضر به چنین خطر کردنی باشد. بدون چنین خطری، ایمانی نیز در کار نخواهد بود. این راه پر از خطر و بی‌یاوری است و این مخالف آن چیزی است که توده مردم و کلیسا می‌پندارند. در زندگی براساس ایمان مسیحی نباید دنبال آرامش فکری آسان بود (پرسون و دیگران، ص ۸۱).

البته روشن است که چنین خطر کردنی بدون شور و عشق ممکن نیست. حال می‌توان مانند برخی شورمندی را ویژگی دوم به حساب آورد و یا خطر کردن همراه با شور و عشق را یک ویژگی به حساب آورد (همان، ص ۳۵) کی‌یر کگور پس از آنکه شور را آن چیزی دانسته است که در آن زندگی انسانی یکی و متعدد می‌گردد گفته است «ایمان نیز یک شور است.» (Kierkegaard, p.76) او قهرمان ایمان را بروخوردار از شور می‌داند (Ibid, p.87) و در جای دیگر می‌گوید: «ایمان والاترین وبالاترین شور در انسان است (Ibid, p.221).

ب. بها (تحمل رنج)

دومین عنصر ایمان که کی‌یر کگور بر آن تأکید می‌کند بها یا فداکاری یا تحمل رنج است. از نظر کی‌یر کگور آنچه به بهای اندک به دست می‌آید، ارزش اندکی نیز خواهد داشت. از آنجا که ایمان بیشترین حُرمت و عمیق‌ترین احترام را می‌طلبد، باید آن را به بیشترین بهای ممکن به دست آورد.

از نظر کی‌یر کگور هر چه آدمی در سیر ایمان رنج بیشتری تحمل کند، شور و شوق بیشتری به نمایش می‌گذارد و اساساً در این مسیر، هر گونه رنجی جایگاهی مناسب برای خود می‌یابد و رنج بی‌جهت معنا ندارد. کی‌یر کگور در اینجا مثال دختر جوانی را یادآورد می‌شود که اسیر عشق است و حاضر است هر بهایی را در راه عشق خود نثار کند.

کی یر کگور معتقد است هر چه اهداف نامحتمل‌تر و نامعقول‌تر باشد، تحمل رنج افزایش می‌یابد. انسان در این هنگام شهامتی می‌یابد که با آن از کل دارایی دنیوی و زودگذر برای رسیدن به جاودانگی و ابدیت دست می‌کشد (*Ibid, p.94*). بر این اساس می‌توان گفت از نظر کی یر کگور یکی از ارکان ایمان آمادگی برای تسليم کامل زندگی است.

ج. اراده

شاید مهم‌ترین ویژگی یا عنصر ایمان از دیدگاه کی یر کگور ارادی بودن آن باشد. ایمان از نظر او از سخن معرفت نیست بلکه از سخن اراده و تصمیم است. این اراده و تصمیم در دو رکن پیشین که از آنها یاد کردیم کاملاً وجود دارد. خطر کردن بدون اراده و تصمیم اتفاق نخواهد افتاد هم چنانکه فداکاری و تحمل رنج نیز جز با اراده و عزم قوی روی نمی‌دهد از سوی دیگر دلبستگی پرشور به یک باور تنها زمانی اتفاق می‌افتد که آن باور با قدرت عزم و اراده به وجود آمده باشد و نه آنکه صرفاً به طور طبیعی شکل گرفته باشد.

چنانکه برخی دانشوران آورده‌اند ایمان از دیدگاه کی یر کگور عبارت است از تصمیم‌گیری در وضعیت مبهم معرفتی که همراه خطر کردن است (جمعی از نویسنده‌گان، «محسن جوادی و دیگران»، ص ۱۴۲) و نیز شاید بتوان ایمان را «خطر کردنی فداکارانه از سر اراده» قلمداد کرد. کی یر کگور نمونه اعلای چنین ایمانی را حضرت ابراهیم علیه السلام در ماجراهی ذبح فرزند خود می‌داند، از نظر او کار ابراهیم علیه السلام کاری برخلاف عقل و متناقض با دستورات اخلاقی بود. او در این ماجرا تن به خطر داد و فداکارانه از فرزند خود گذشت، حتی باورهای عقلانی خود و نیز الترامات اخلاقی را زیر پا گذاشت و از سر اراده به خداوند اعتماد نمود، او به جای اعتماد به منطق و اخلاق به خداوند اعتماد کرد و خداوند را برتراز هر چیز قرار داد. خداوند از او خواسته بود برای اثبات ایمانش دست به کاری غیر اخلاقی بزند و در این جاست که کشمکش میان منظر اخلاقی و منظر دینی کاملاً خود را نشان می‌دهد (لی اندرسون، ص ۱۱۷، ۱۶۳).

این چنین ایمانی به اتکا نامعقول (absurd) است؛ زیرا در اینجا خبری از محاسبات و پیش‌بینی‌های انسانی نیست. در اینجا نیروی اراده‌ای وجود دارد که کشتی شخص را آنقدر به سوی امواج سهمگین پیش می‌برد که دیگر در ک و فهمی در کار نیست و با هر اندازه فشار که بر فرد وارد می‌شود جای شگفتی نخواهد بود (kierkegaard,P.36).

چنان که گفته شد ارادی قلمداد شدن ایمان متوقف بر آن است که مسلک اصالت اراده یا اراده‌گرایی (Voluntrationism) پذیرفه شود و کییرکگور چنان که گفتیم بر این اساس حرکت کرده باشد. براساس ارکان ایمان از دیدگاه کییرکگور که عبارت بود از خطر کردن، تحمل رنج و اراده می‌توان ایمان را چنین تعریف کرد: ایمان دل به دریا زدن و تصمیم به دل‌بستن به حقیقت متعالی در وضعیت مبهم معرفتی که همراه خطر کردن و تحمل هر گونه رنج است.

بررسی و مقایسه

در مقایسه آراء ابن عربی و کییرکگور در باب ماهیت ایمان توجه به نکته‌ای ضروری به نظر می‌رسد و آن یافتن دقیق آراء این دو اندیشمند در این مسئله است.

در اینکه کییرکگور در باب ایمان، اراده‌گرایی است شک و تردیدی وجود ندارد. او ایمان را اراده و انتخابی می‌داند که در وضعیت مبهم و حتی ضد معرفتی صورت می‌گیرد و شخص آماده است انواع رنج‌ها را تحمل کند و هر گونه فداکاری را انجام دهد. از سوی دیگر سخنان ابن عربی گویای آن است که وی در باب ماهیت ایمان به گونه‌ای خاص از تصدیق‌گرایی اعتقاد دارد. چه ایمان پیش از شهود و چه پس از آن و چه خود شهود، همه ماهیتی معرفتی دارند. تصدیق از مقوله معرفت است و معرفت نیز تصدیق را همراه خواهد داشت و نمی‌توان میان معرفت و تصدیق، از حیث ماهیت، تفاوتی شایان ذکر را مشاهده نمود. حتی می‌توان گفت معرفت‌گرایان نیز تصدیق را به دنبال معرفت می‌پذیرند. به بیان دیگر آنان معتقدند در بطن معرفت، تصدیق نهفته است و اساساً معرفت، هنگامی معرفت حقیقی است که به دنبال آن اذعان و تصدیق بیاید و غالباً نیز چنین است و چون در غالب موارد تصدیق به دنبال معرفت می‌آید، بنابر این

معرفت گرایان نیازی به بیان آن ندیده‌اند. از سوی دیگر تصدیق گرایان نیز نمی‌توانند سخن از تصدیقی بگویند که بر معرفت استوار نباشد.

از سوی دیگر چه معرفت گرایان و چه تصدیق گرایان، نمی‌توانند از معرفت و اذعان قلبی به خداوند سخن بگویند که التزام قلبی به انجام عمل عنداللزوم را در پی نداشته باشد؛ حال چه لازمه این التزام سخن گفتن و قول خاصی باشد یا عمل ویژه‌ای که به دنبال معرفت و تصدیق باید به آن ملتزم بود.

از این رو، غالب متفکران مسلمان را می‌توان تصدیق گرایان معرفت گرا قائل به التزام قلبی به انجام عمل قلمداد کرد یا معرفت گرایان تصدیق گرا قائل به التزام قلبی به انجام عمل، به عبارت دیگر معرفت و تصدیق به همراه التزام قلبی همگی به یک حقیقت که همان ایمان باشد اشاره دارند.

ابن عربی نیز به نظر ما از این قاعده مستثنی نیست. او نیز همانند غالب اندیشمندان مسلمان، معرفت، تصدیق و التزام قلبی را همان ایمان و ایمان را نیز جز آنها نمی‌داند. البته ابن عربی، منشأ ایمان را عنایت الهی می‌داند و نور و طهارت باطنی قلمداد می‌کند که دارای مراتب گوناگونی است و هرچه ماهیت معرفتی آن تقویت گردد، مراتب آن بالاتر می‌رود. با حصول معرفت کشفی و شهودی و بالاتر از آنها معرفت وحیانی، ایمان در بالاترین درجه خود قرار می‌گیرد.

براساس آنچه گفتیم، دو دیدگاه ابن عربی و کی‌یر کگور در بحث ماهیت ایمان کاملاً در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند، زیرا کی‌یر کگور درست پس از آنکه بُعد معرفتی ایمان را نادیده می‌گیرد به افراد توصیه می‌کند با قدرت اراده، خویشن را در وادی ایمان، بیفکنند. آنها چاره‌ای جز این ندارند و هرگز نباید به جستجوی معرفت برآیند، زیرا اساساً این عمل، یک کار بی‌فایده و ناشدنی است، اما در مقابل ابن عربی با اتخاذ دیدگاه تصدیق گرایی معرفت گرا در باب ایمان و عدم جدایی معرفت از ایمان آغاز ایمان را با معرفت همراه می‌داند. ایمان با معرفت پیش می‌رود و در نهایت نیز به معرفتی گستره و شاید لایتناهی برسد.

نظریه کی‌یر کگور در این باب نه تنها از دیدگاه ابن عربی، بلکه از منظر قریب به اتفاق متفکران مسلمان قابل تردید جدی است و آنان به نقد این نظریه می‌پردازند. اگر چه

اندیشمندان اسلامی در باره چگونگی نقش معرفت در ایمان با یکدیگر اختلاف نظر دارند، اما هرگز نمی‌توانند با کسی که به طور کلی به انکار نقش معرفت در ایمان بلکه به صدیت معرفت و ایمان قائل است، اندک همراهی داشته باشند.

از نکات قابل توجه در اینجا آن است که کی‌یرک‌گور تا چه هنگام به انکار رابطه ایمان و معرفت می‌پردازد. او پس از تحقیق ایمان با پیش فرض‌ها و ویژگی‌های خاص خود، آیا در ادامه هیچ‌گونه پیامد معرفتی برای ایمان قائل نیست، آیا او این جمله مشهور را که «ایمان بیاور تا بفهمی» به طور کلی مردود می‌داند یا به گونه‌ای آن را مورد پذیرش قرار می‌دهد؟ شاید بتوان گفت او با معرفت حاصل از ایمان، پس از تحقیق کامل آن، مخالفتی نداشته باشد و شاید به نحوی معرفت را شهد شیرین درخت ایمان به حساب آورد که اساس و پایه و ماهیت آن همگی بر بی‌معرفتی و صدیت با معرفت استوار بود، حال چگونه چنین امری شدنی است، جای تأمل جدی دارد!

نتیجه آنکه ایمان از منظر این عربی ماهیتی معرفتی و تصدیقی دارد در حالی که از دیدگاه کی‌یرک‌گور ماهیتی اراده‌ای و تصمیمی دارد که تحمل خطرات و رنج‌ها و شور بیکران را به همراه دارد. از سوی دیگر ابن عربی ایمان واقعی را ایمان قلبی پیش و پس از شهود قلمداد می‌کند گرچه استحکامی خاص برای ایمان پس از شهود قائل است و به این ترتیب ایمان از معرفت و تصدیق ویژه آن جدا نیست و نمی‌تواند جدا باشد، این در حالی است که کی‌یرک‌گور هر گونه رابطه میان ایمان و معرفت را از اساس منکر است. آنچه در باره اختلاف‌نظر ابن عربی و کی‌یرک‌گور در باب ماهیت ایمان بیان گردید، نباید ما را از دیگر وجوده اختلاف و یا اشتراک میان آن دو دور سازد. در اینجا شاید مناسب باشد به گونه‌ای فهرست وار به این مسائل اشاره کنیم و البته تفصیل هر یک این مطالب خود نیازمند نوشتۀ‌هایی مستقل است.

اختلاف‌نظرهای ابن عربی و کی‌یرک‌گور در بحث ایمان به دو بخش اختلاف‌های مبنایی و غیر آن تقسیم می‌شود. در بخش اختلاف‌های مبنایی تفاوت و نگرش فلسفی و دینی این دو از اهمیت خاصی برخوردار است. ابن عربی با نگرش فلسفی معرفت‌گرایانه و کی‌یرک‌گور با نگرش فلسفی شکاکانه به مسئله ایمان می‌نگرند. ابن عربی معرفت را برای انسان کاملاً قابل وصول می‌داند و این در حالی است که کی‌یرک‌گور برای برونو

رفت از شکاکیت جهش ایمانی را پیشنهاد می‌کند. بر همین اساس ابن عربی سراسر هستی را از آثار حق بر می‌شمارد و جز هستی او حقيقة قائل نیست و وجود خود را نیز باستگی مطلق به آن حقیقت هستی قلمداد می‌کند، اما کی یر کگور واقعیت و حقیقت را اساساً ذهنی و «انفسی بودن» را حقیقت می‌داند. از این رو بحث متعلقات ایمان نقش اساسی را به ذهنیت انسان می‌دهد.

نگرش دینی ابن عربی و کی یر کگور تأثیر شگرف خود را تقریباً در همه مباحث ایمان نمایان ساخته است. ایمان توحیدی و ایمان تثلیثی چیزی نیست که بتوان به سادگی از آن عبور کرد. ضمن آنکه مقایسه‌ای هر چند گذرا میان قرآن و عهدین مؤمنان به آن دو را در موقعیت‌هایی ویژه قرار می‌دهد. گذشته از اختلاف‌های نگرشی تفاوت‌های دیگری نیز میان دیدگاه‌های ابن عربی و کی یر کگور وجود دارد که گستردگی مباحث معرفتی در آثار ابن عربی در مقایسه با کی یر کگور از آن جمله است. ابن عربی حسن، عقل، کشف و شهود، تجلی و وحی را از منابع معرفتی می‌داند و برای هر یک با بی‌گستردگی گشوده است (ابن عربی، *فصوص الحكم*، ص ۴۹)، اما در کی یر کگور مباحث معرفتی جز به صورت گذرا جایگاهی ندارد.

یکی از جهات متمایز در آثار ابن عربی نسبت به کی یر کگور تقسیمات گوناگونی است که برای ایمان توسط ابن عربی صورت گرفته است. در یک تقسیم ایمان را به شش قسم تقسیم می‌کند، ایمان تقلیدی، ایمان علمی، ایمان عینی، ایمان حق، ایمان حقیقت و ایمان حقیقت حقیقت. او در گستره آثار خود گاه ایمان را به خبری و نظری، گاه به ایمان برهانی و ایمان قلبی و نیز ایمان قلبی را به ایمان قلبی پیش از شهود و ایمان قلبی پس از شهود تقسیم می‌کند. این در حالی است که در آثار کی یر کگور از چنین تقسیماتی به ویژه با چنین گستردگی خبری نیست.

ارکان ایمان از دیگر وجوده اختلاف است. رکن اساسی ایمان از دیدگاه ابن عربی تصدیق است. تصدیق برخاسته از صدق باطنی، علمی ضروری و نوری الهی است که شخص، مخبر و نبی صادق را تصدیق می‌کند. با بالا رفتن درجات معرفت و عمل مراتب ایمان نیز تفاوت می‌کند. این در حالی است که ارکان ایمان از دیدگاه کی یر کگور سه

گانه است، خطر کردن، بها و تحمل رنج، اراده و جهش، ارکان سه‌گانه ایمان را تشکیل می‌دهند که بدون آن ایمانی متصور نیست.

از دیگر تفاوت‌ها، تفاوت دیدگاه ابن عربی و کی بر کگور در نوع نگاه این دو به متعلقات ایمان است که ابن عربی نقش برجسته‌ای با توجه به نگاه واقع گرایانه برای متعلقات ایمان قائل است. در مقابل، کی بر کگور در پی آن است که ایمان بدون متعلق را به تصویر بکشد.

عقل و ایمان و رابطه آن با ایمان از دیگر تفاوت‌هاست. عقل از دیدگاه ابن عربی از نوری ویژه برخوردار است و هنگامی که با نور ایمان همراه می‌شود از نورانیتی مضاعف برخودار می‌گردد که می‌تواند به فهم حقایقی خاص نائل شود؛ اما کی بر کگور در اینجا میان عقل و ایمان رابطه‌ای کاملاً ناسازگار را به تصویر می‌کشد.

ایمان گرایی به معنای عدم ارتباط میان ایمان و عقل از نظر ابن عربی نادرست است. ایمان گرایی به معنای ناسازگاری ایمان و تعقل آن‌گونه که کی بر کگور به آن اعتقاد دارد نیز از دیدگاه ابن عربی قبل پذیرش نیست.

یکی از مسائل جالب توجه در بررسی دیدگاه‌های ابن عربی و کی بر کگور نوع استدلال‌هایی است که این دو بر مطلوب خود در بحث ایمان و عقل می‌آورند.

کی بر کگور بر آن است که نباید به سمت و سوی استدلال‌های آفاقی رفت، چرا که اگر خواسته باشیم حقانیت مسیحیت را براساس آنها بنا کنیم تا پس از اثبات حقانیت، ایمان بیاوریم، این کار اولًاً ناشدنی است، زیرا نهایت تلاش ما نتیجه‌ای جز ظن و تخمين به حقانیت مسیحیت نخواهد داشت. ثانیًاً حقانیت مسیحیت متعلق به چنین استدلال‌هایی می‌گردد و در نتیجه ایمان به چنین دینی را به تعویق انداخته‌ایم. ثالثاً بر فرض بتوان با یقین کامل به حقانیت مسیحیت دست یافته باید چنین کاری را انجام دهیم؛ زیرا در این صورت شورمندی که مهم‌ترین ویژگی ایمان است از دست می‌رود.

از سوی دیگر می‌دانیم که حقانیت دین اسلام برای ابن عربی از یقینیات است و بر این اساس ایمان به چنین دینی از ضروریات اولیه به حساب می‌آید. پس از این مرحله سخن در آن است که چگونه می‌توان ایمان را به بالاترین درجه رساند.

نقاط مشترک دو دیدگاه

با وجود اختلاف‌های بنیادین میان نظرات ابن عربی و کی‌یر کگور در بحث ایمان، اما چنین نیست که اصلاً نتوان نقطه مشترکی برای آنها پیدا کرد. به طور خلاصه می‌توان در مسائل زیر نوعی وحدت دیدگاه‌ها و یا حداقل نزدیکی آنها را مشاهده کرد.

شدت و ضعف ایمان

چنان که گذشت ابن عربی براساس مبانی خود و نیز تمسک به آیات قرآن قائل به مراتب ایمان است و شدت و ضعف آنها را می‌پذیرد. در همین جا با نگاهی گذران به آثار کی‌یر کگور می‌توان ذو مراتب بودن ایمان را از نظر او مسلم دانست، آنجا که او در کتاب ترس و لرز ایمان ابراهیم را در بالاترین حد می‌داند اما در حدی پایین‌تر حرکت نامتناهی تسلیم را مقدور همگان می‌داند (Kierkegaard, p.52).

ایمان و رای طور عقل

از نظر ابن عربی ایمان و رای طور عقل است یا به عبارت بهتر ایمان نباید در محدوده عقل متوقف بماند و باید با استفاده از معرفت‌های کشف و شهودی و وحیانی به مراتب بالای ایمانی دست یابد. البته در اینجا هیچ گونه عقل‌ستیزی وجود ندارد. همین مطلب البته با رویکرد عقل‌ستیزانه از سوی کی‌یر کگور بیان شده است. او ایمان را پایان عقل قلمداد و آن را به مراتب، بالاتر از طور عقل می‌داند، شاید در اینجا از کسانی باشیم که بگوییم نوعی نزدیکی میان دیدگاه‌ها احساس می‌شود.

ایمان راه رسیدن به حقیقت

هر دو اندیشمند مورد بحث ما ایمان را راه رسیدن به حقیقت می‌دانند؛ گرچه حقیقت از نظر آنها اختلافات بنیادین با یکدیگر دارد.

پیامدهای ایمان

چنان که گفتیم ابن عربی پیامدهای ایمان را عمدتاً معرفتی می‌داند که ادراک برخی اسمای الهی، حصول یقین و فرقان و وصول به مقامی و رای طور عقل از آن جمله است و

کی یرکگور نیز آثاری معرفتی برای ایمان مانند از بین رفتن شک، رسیدن به ایقان و اطمینان و ادارک کلی هستی با اتکا به نامعقول، قائل است. البته چگونگی جمع میان این گونه آثار با مبانی او هم چنان جای پرسش جدی است و باز در آثار عملی ایمان نیز شباهت‌هایی میان ابن عربی و کی یرکگور مشاهده می‌شود.

آنچه بیان شد اجمالی از وجوه اشتراک و افتراق میان دیدگاه‌های ابن عربی و کی یرکگور در بحث ایمان است، ولی بحث به همین جا خاتمه نمی‌یابد و می‌توان از مباحث دیگری چون رابطه ایمان با فردیت، خودآگاهی و یأس، چگونگی متعلق شدن اخلاق توسط دین، چگونگی نقش پیوندی ایمان میان ذهن و عین از دیدگاه کی یرکگور سخن به میان آورد که به علت اختصار از بیان آنها خودداری می‌گردد.

منابع

- ابن عربی، محی الدین، *الفتوحات المکیه*، ۴ جلد، بیروت، دار صادر، بی‌تا.
____، *نصوص الحكم*، مقدمه ابوالعلاء عفیفی، بیروت، دارالكتاب العربي، ۱۴۲۳ق.
ابن فارس، *مقاييس اللغة*، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، ۶ جلد، قم، مكتب الاعلام الاسلامي، ۱۴۰۴ق.
ابن منظور، *لسان العرب*، ۱۵ جلد، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
ازھرى، محمد، *تهذیب اللغة*، ج ۱۵، قاهره، الدار المصرية، ۱۳۸۷ق.
اشعرى، ابوالحسن، *اللمع فى الرد على اهل الزريخ والبدع*، با ویرایش ریچارد مکارتی، ج ۱، بیروت، مطبعة الكاتوليه، ۱۹۵۲.
____، *مقالات الاسلاميين و اختلافات المصلحين*، تحقيق هلموت ریتو، ج ۳، انجمن مستشرقان آلمانی، ۱۹۸۰.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فى غريب القرآن*، دفتر نشر الكتاب، ۱۴۰۴ق.
بحرانی، ابن میثم، *قواعد المرام فى علم الكلام*، قم، چاپخانه مهر، ۱۳۹۸ق.
بغدادی، عبدالقاهر، *الفرق بين الفرق الناجية*، بیروت، دارالآفاق الجديدة، ۱۹۷۷.
پتروسون، مایکل و دیگران، *عقل و اعتقاد دینی*، ترجمه ابراهیم سلطانی و احمد نراقی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۶.

- تفازانی، سعد الدین، *شرح المقاصل*، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۴۰۹ق.
- جعی عاملی، زین الدین، *حقایق الایمان*، قم، مکتبة آیة الله العظمی المرعشی النجفی،
العاصر، ۱۴۰۹ق.
- جرجانی، میر سید شریف علی بن محمد، *شرح الموافق*، ۸ جلد، قم، منشورات الشریف
رضی، ۱۳۷۰.
- جمعی از نویسنده گان، (محسن جوادی و دیگران)، *جستارهایی در کلام جدید*، قم،
سمت، ۱۳۸۱.
- جوهری، اسماعیل، *صحاح اللغة*، ج ۵، بیروت، دارالعلم، بی تا.
- حلی، حسن بن یوسف، *انوار الملکوت فی شرح الیاقوت*، الطبعة الثانية، قم انتشارات
الرضی، ۱۳۶۳.
- خلیل بن احمد، *العین*، ج ۸، قم، دارالهجره، بی تا.
- خوارزمی، تاج الدین، *شرح فصوص الحکم*، به اهتمام نجیب مایل هروی، تهران، مولی،
۱۳۶۴.
- رضایی، مهران، "ایمان مسیحی، سررشه تفکرات جدید"، بازنایاب اندیشه، شماره ۱۳۸۰.
- سیوری حلی، جمال الدین مقداد بن عبدالله (فاضل مقداد)، *ارشاد الطالبین الى نهج
المسترشدین*، تحقیق سید مهدی الرجائی، قم، مکتبة آیة الله مرعشی العامه، ۱۴۰۵ق.
- شهرستانی، عبدالکریم، *الملک والنحل*، بیروت، دارالسرور، ۱۳۶۸.
- شیرازی، صدرالدین، *الحكمة المتعالیة*، ج ۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱.
- طربی، فخر الدین، *مجمع البحرين*، تحقیق سید احمد حسینی، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، *الاقتصاد فيما يتعلق بالاعتقاد*، بیروت، دارالا ضواء،
۱۴۰۶ق.
- _____، *التیان*، ایران، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ق.
- _____، *الرسائل العشر*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، بی تا.
- _____، *تمهید الاصول*، تصحیح مشکوٰۃ الدینی عبدالحسین، تهران، دانشگاه تهران،
۱۳۶۲.

علم الهدی، علی بن الحسین، النـخیره فی علم الـکلام، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۱ق.
فرغانی، سعید الدین، مشارق الدارای، تعلیق سید جلال الدین آشتیانی، مشهد، دانشگاه
فردوسي، بي تا.

فعالی، محمد تقی، ایمان دینی در اسلام و مسیحیت، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۷۸.
کیوپیت، دان، دریای ایمان، حسن کامشاد، تهران، طرح نو، ۱۳۷۶.
کی بر کگور، سورن، ترس و لرز، ترجمه سید محسن فاطمی، تهران، حوزه هنری سازمان
تبليغات اسلامی، ۱۳۷۴.

لاهیجی، عبدالرزاق، سرمایه ایمان، مصحح صادق لاریجانی، تهران، الزهراء، ۱۴۰۹ق.
لکنهاوزن، محمد، «ایمان گرایی»، ترجمه سید محمود موسوی، مجله تقد و نظر، سال اول،
۱۳۷۴.

لی اندرسون، سوزان، فلسفه کی بر کگور، ترجمه خشايار دیهیمی، تهران، طرح نو، ۱۳۸۵.
معتلی، عبدالجبار، تعلیق احمد بن الحسین بن ابی هاشم، شرح الاصول الخمسه، بیروت،
دار احیاء التراث العربي، ۱۴۲۲ق.
معلوم، لویس، المنجد، قم، نشر بлагت، ۱۳۷۴.

- Geiveett -Sweetman B.ed. *Contemporary Perspectives on Religious Epistemology*, Oxford University Press, 1992.
- Hick, John, *Faith Edwards.p. Ed. The Encyclopedia of Philosophy*, Macmillan Publishing, New York, 1972 .
- Kierkegaard, Soren, *Fear and Trembling - Repetition*, Howard V. Hong and Edna H.Hong, Princeton University Press, U.S.A .1983.
- Sauvage, G.M , *Fideism in Catholic Encyclopedia* ,New York,1990.